

صفحه ۳	صفحه حزب
صفحه ۴	رویدادهای ایران
صفحه ۴	طالبان، مجلس اسلامی و شر مذهب
صفحه ۴	خاتمی در آمریکا، بهنود در اروپا

بخشی از مصاحبه رادیو انترناسیونال با رحمان حسین زاده

صفحه ۲

مصاحبه با رضا مقدم درباره موقعیت کنونی جنبش کارگری در ایران

صفحه ۲

مصطفی صابر

هم سیاست و هم اقتصاد دولت خاتمی

وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی، دری نجف آبادی، چندی است که به نقاط مختلف کشور سفر میکند و مقامات محلی را در مورد "امنیت" توجیه میکند. یک محور اصلی این تور توجیهی، تاکید بر اینست که وزارت اطلاعات میکوشد تا "محیطی سالم و سازنده" برای "تولید" و "افزایش تولید" و "سرمایه گذاری" فراهم کند و در شهرکرد صراحتاً خط و نشان کشید: "با کسانی که بخواهند در نظام اقتصادی جامعه اختلال کنند، قاطعانه برخورد خواهد شد!"

وقتی وزیر اطلاعات و امنیت یک کشور از "امنیت اقتصادی"، "محیط سالم برای افزایش تولید" و علیه "اختلال در نظم اقتصادی" صحبت میکند، روشن است که دارد از کارگران و اعتصابات و اعتراضات روزمره آنها سخن میگوید. خصوصاً وقتی توجه کنیم که این سخنان در شرایطی ایراد میشود که بیکاری و گرانی و فلاکت به بی سابقه ترین حد خود رسیده است و اعتراضات کارگری هر روز در اشکال مختلف علیه "نظم اقتصادی" موجود در جریان است. حتی بی جهت نیست که جناب وزیر این سخنان را در شهرکرد بر زبان راند. مخاطب مستقیم او کارگران ذوب آهن اصفهان، فولاد مبارکه و چند واحد صنعتی بزرگ دیگر است که در منطقه شهر کرد زندگی میکنند. اخبار ماههای اخیر حاکی از تنش های گسترده کارگری در این منطقه بوده است.

بدنبال اوجگیری دور اخیر اعتصابات کارگری، دولت خاتمی و مشخصاً وزارتخانه های کار و اطلاعات و امنیت، با همکاری سپاه و شوراها ی اسلامی، اقدام به ایجاد کمیته های هماهنگی ویژه ای کرده اند که کار آنها مقابله با اعتراضات کارگری و سرکوب و به بند کشیدن این حرکات است. این کمیته ها بنا به اخبار جسته و گریخته ظاهراً در نقاط مختلف کشور تشکیل شده است. "تامین امنیت" به مفهومی که وزیر اطلاعات خاتمی بطور سر بسته به آن اشاره کرد یک وظیفه اصلی این کمیته هاست. از جمله، این ارگانها موظفند که کارگران پیشرو و رهبران عملی را شناسایی و بطریقی (با ارباب، تهدید، اخراج و زندان) خنثی کنند. وظیفه دیگر این کمیته ها مقابله با هر اعتصاب و اعتراض مشخص است. در جایی مثل نساجی مازندران حمله و ضرب و شتم وحشیانه کارگران در دستور قرار میگیرد. در موردی مثل تدارک کارگران نفت برای اعتصاب سراسری، ریختن پاسداران به محیطهای کارگری و ایجاد رعب که "حق اعتصاب ندارند"، پیش برده میشود. در مورد دیگری مثل اعتصاب کارگران جهان چیت، در کارخانه "دادگاه" تشکیل میشود و کارگران معترض تحت عنوان "رهبر اعتصاب" و "عامل اختلال" و "ضد انقلاب" به "محاکمه" کشیده میشوند، تا برای بقیه "درس عبرت" بشود... این روش ها که از دولت های قبل از خاتمی به ارث رسیده، پشتوانه عملی چنگ و دندانی است که دری نجف آبادی به کارگران نشان میدهد.

کسانی که میخواهند بدانند که "سیاست اقتصادی" دولت اسلامی چیست، به جای تعمق در کلی گویی های خاتمی و یا جناح رقیبش در مورد "توسعه اقتصادی"، باید به سخنان وزیر اطلاعات و امنیت ایشان دقت کنند. جزء اصلی "سیاست اقتصادی" دولت بحران زده و سراپا ورشکسته سرمایه، خاموش کردن و سرکوب اعتراض کارگری است. آنها که میخواهند معنی واقعی "توسعه سیاسی" و "جامعه مدنی" خاتمی را بدانند، باید به درجه محرومیت کارگر از آزادی در اعتراض و اعتصاب دقت کنند. سخنان وزیر اطلاعات و امنیت جوهر سیاست و اقتصاد رژیم فعلی را به روشنی بیان میکنند.

برای کارگران آگاه که در متن این اوضاع زندگی میکنند، سخنان دری نجف آبادی چیز جدیدی نیست. برای آنها مساله اینست که چگونه این باروهای اختناق را که در برابر جنبش اعتراض کارگری بنا شده است فرو ریزند، و مارش بسوی آزادی و سعادت همه انسانها را با قدرت بیشتر به حرکت درآورند. سفت تر کردن بندهای سرکوب و تعقیب پلیسی بی شک درجه بیشتر و ماهرانه تری از تلیق کار علنی و مخفی را به رهبران و محافل کارگران مبارز و سوسیالیست تحمیل میکند. اما سلاح قدرتمند کارگران تشکل توده ای و علنی آنهاست. بهترین راه مقابله با اقدامات سرکوبگران رژیم، به میدان کشاندن و در میدان نگاه داشتن توده های کارگر است. اینجاست که باید یکبار دیگر توجه همه رفقای کارگر را به جنبش مجامع عمومی و منظم کردن مجمع عمومی جلب کرد.



رفیق حکمت کوتانی درگذشت

صفحه ۲

اطلاعیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران در مورد تهدیدات تروریستی جمهوری اسلامی

در هفته های اخیر رژیم جنایتکار اسلامی تعداد زیادی از اعضای حزب کمونیست کارگری ایران و فعالین سیاسی مقیم اروپا و آمریکای شمالی را از طریق بستگان شان در ایران مورد تهدید قرار داده است. قبلاً طی اطلاعیه ای خبر تهدید یکی از اعضای مرکزیت حزب را به اطلاع رساندیم. اینک تعداد زیادی از خانواده ها را به "بخش پیگیری" وزارت اطلاعات فرا خوانده اند و بستگانشان را در خارج تهدید کرده اند. تهدید کرده اند که چنانچه دست از فعالیت سیاسی علیه رژیم برندارند همان بلائی را که سر غلام کشاورز آمد سر آنها هم میاورند. یک نگرانی عمده رژیم آکسیون سراسری علیه جمهوری اسلامی در روز ۲۱ سپتامبر همزمان با سخنرانی خاتمی در اجلاس سازمان ملل است. گفته اند به بستگانشان در خارج بگوئید که در این تظاهرات شرکت نکنند. گفته اند اینها آبروی ما را هنگام سفر مهاجرانی به سوئد برده اند.

رژیم جنایتکار اسلامی غلام کشاورز را در اوت ۸۹ در لارناکای قبرس به قتل رساند. امروز پس از ۹ سال نه تنها رسماً به قتل غلام اعتراف نمیکند بلکه دیگران را هم به سرنوشت او تهدید میکنند. درست در اوج فعالیت دیپلماتیک رژیم برای بهبود رابطه با غرب، درست قبل از سفر خاتمی به نیویورک برای سخنرانی در سازمان ملل اینها تروریسم شان را به رخ میکشند، آنهم با همان شیوه ها و عبارات سابق. شاید اینها با ژست دیپلماسی شان زیاد جور درنیاید اما ناگزیرند.

این رژیم است که اپوزیسیون طرفدارش همراه با دول غربی و رسانه های نان به نرخ روز خور و مزدور کمر به خدمت آن بسته اند. این رژیم است که بجز تهدید، ترور و زندان و شکنجه حتی یک ماه هم دوام نخواهد آورد. اگر کارگر معترض را سرکوب نکند، اگر زنان ناراضی را سرچایشان ننشاند، اگر کوچکترین مجالی به افکار مخالف و بویژه رادیکال و آزادیخواه بدهد دوام نمیآورد. اینرا همه سران رژیم، همه جناحهایش میدانند اما تفاوت شرایط امروز با سالهای گذشته این است که مردم تحرکی گسترده را آغاز کرده اند و رژیم قدرت سابق را برای سرکوب ندارد. نگرانی و وحشت سران جنایتکار رژیم در همینجا است. خجالت آور این است که عدهای از گروههای اپوزیسیون! در خارج کشور سپر بلائی این رژیم شدهاند.

حزب کمونیست کارگری ایران ضمن هوشیاری در مقابل تهدیدات رژیم، قاطعانه به فعالیت در راه سرنگونی این رژیم جنایتکار ادامه میدهد و در خارج کشور نیز از حضور سیاسی و عملی رژیم ممانعت بعمل خواهد آورد. حزب کمونیست کارگری همه نیروهای اپوزیسیون و مردم آزادیخواه را به مقابله با تروریسم و هرگونه حضور رژیم کثیف اسلامی در خارج کشور فرامیخواند.

سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۲ سپتامبر ۹۸

فاتح شیخ الاسلامی

نابود باد حاکمیت اسلام در ایران و افغانستان!

جانینان اسلامی حاکم بر دو کشور به هم چنگ و دندان نشان میدهند

یک ماه پس از تصرف مزار شریف توسط نیروهای طالبان، تنش میان جمهوری اسلامی و دارودسته طالبان آنها را به آستانه تقابل نظامی و جنگ تمام عیار کشانده است. تهدیدات سران رژیم علیه طالبان با مانور نیروی بزرگ سپاه پاسداران در مرز افغانستان و اعلام اینکه: "این هشدار به طالبان است" جنبه عملی تر بخود گرفته، بویژه که این نیرو پس از مانور هم، پنجه بر ماشه، در طول مرز مستقر مانده است. بهانه تهدید و تمرکز نیرو از سوی رژیم جمهوری اسلامی افتادن شماری از مامورانش به دست طالبان در جریان تصرف مزار شریف است. اما اگر این دستاویز هم نبوده، اشغال مناطق زیر تصرف ائتلاف مورد حمایت جمهوری اسلامی توسط طالبان های مورد حمایت پاکستان و عربستان، می توانست چنین تنش و تقابلی ببار آورد. برخلاف تفسیر ژورنالیستها و "متخصصان آکادمیک" در غرب که عوامفریبانه این تقابل را به روایتیهای مختلف از اسلام و یا تضاد سنی و شیعه نسبت میدهند، این تضاد منافع زمینی دولتهای آمریکا، روسیه، ایران، پاکستان، عربستان، امارات و حتی هند و ترکیه است که سالهاست این آدمکنشی های هولناک و این توحش لجام گسیخته را بر حیات مردم افغانستان تحمیل کرده است. در حقیقت، از خمینی تا خامنه ای و خاتمی، از نواز شریف تا ملا عمرها و ربانیها و شاه مسعودها، از شیوخ عربستان و امارات تا سایر داعیان و متولیان اسلام، همگی، اصول و احکام قرون وسطانی اسلام را تنها برای خدمت به منافع امروزی طبقات حاکم جامعه، برای سرکوب مردم و جنبشهای آزادیخواه و تجددطلب که بیش و کم در طول این قرن در این جوامع برپا بوده اند، احیاء و به یک پرچم ارتجاع سیاسی منطقه تبدیل کرده اند. وجه مشترک همه شاخه های اسلام سیاسی معاصر، با هر روایتی از اسلام، دشمنی و توحش بیمرزشان در برابر خواست مردم برای یک زندگی شاد و آزاد و امروزی بوده است. جنگ، صلح، ائتلاف، کودتا، ترور، توطئه و همه حرکات و تاکتیکهای جریانات و رژیمهای اسلامی، نه مولود روایات مختلف از اسلام، بلکه حاصل منافع زمینی و بلااستثناء ضدمردمی آنهاست.

کشمکش کنونی جمهوری اسلامی و طالبان حاصل تضاد منافع دولت ایران با دولتهای پاکستان و عربستان در ارتباط با بازار تازه گشوده شده کشورهای آسیای میانه است، آنچه سالهاست موضوع کشمکش جمهوری اسلامی با دولت ترکیه نیز بوده و هست. بعلاوه عاملی که در این مقطع این دو را به تقابل نظامی کشانده، نیاز هر دو به جنگ خارجی برای فائق آمدن بر مشکلات داخلی غیرقابل حل، مشکلات تقابل حادشان با مردم بجان آمده است.

سر پا ماندن طالبان در کابل به تداوم جنگ و سلاخی و به "غنیمت" بردن زنان و دختران و پسران بند است. حکومت وحشت و جنایت طالبان بر انباری از باروت انزجار نشسته است. انزجاری وصف نشدنی که لاجرم این جانینان را جارو خواهد کرد.

تا آنجا که به جمهوری اسلامی بر می گردد بحران سیاسی و اقتصادی، گسترش بیسابقه شکافهای درونی و رودرویی روزمره با اعتراضات کارگران و توده مردم، کلیت این رژیم و بویژه جناح خامنه ای را که اختیاردار نیروهای مسلح و تصمیم گیرنده جنگ است، به وضعیتی رانده که جنگ با طالبان را یک "مانده آسمانی و نعمت الهی" برای خروج از مخصصه داخلی بحساب می آورد. فرجام چنین جنگی در ارتباط با طالبان هرچه باشد برای مردم ایران جز افزایش مصائب و مشقات، سرکوب بیشتر و سلب گسترده تر آزادی و حقوق فردی و اجتماعی نخواهد بود. چشم انداز چنین مخاطراتی بدون شک مردم را در مسیر مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی مصمم تر خواهد کرد. مردم بجان آمده و تجربه دیده، برای مقابله با این مخاطرات راهی جز تشدید مبارزه علیه رژیم اسلامی و تسریع روند نابودی آن در پیش رو ندارند.

با سرنگون کردن جمهوری اسلامی، مردم ایران به مردم منطقه از افغانستان و پاکستان تا عربستان و لبنان و سودان و الجزایر برای خلاصی از توحش جریانات اسلامگرا و رهائی از کابوس حاکمیت اسلام خدمت بزرگی خواهند کرد.

ایسکرا: برای شروع، با توجه به گستردگی تحرک کارگری در یک سال اخیر بطور مثال اعتصاب بزرگ در گروه صنعتی ملی و غیره و با توجه به اوضاع عمومی در ایران، موقعیت کنونی جنبش کارگری و ظرفیتهای رشد آنرا چگونه می بینید؟

رضا مقدم: تحرکات کارگری تقریباً یکساله اخیر را باید به دو دوره تقسیم کرد. دوره اول از حول و حوش انتخاب خاتمی به رئیس جمهوری آغاز میشود و اعتراضات کارگری اساساً حول افزایش دستمزد است و تعرضی است. و دوره دوم با کاهش شدید بهای نفت و وخیم تر شدن اوضاع اقتصادی شروع می شود. در این دوره است که بسیاری از کارخانجات با مشکل اقتصادی روبرو می شوند و تعداد کارخانجاتی که قادر نیستند دستمزد کارگران را بموقع پرداخت کنند دائماً افزایش می یابد و بیشترین اعتراضات برای پرداخت بموقع دستمزدها و جلوگیری از اخراج است. بعلاوه بحث بر سر تغییر قانون کار در جهت ضد کارگری تر شدن آن نیز بالا گرفته است. در دوره دوم اعتراضات کارگری اساساً حول دفع حملات رژیم اسلامی و کارفرماها بوده است. در واقع موضوع مبارزه را رژیم و کارفرماها تعیین کرده اند.

با توجه به اوضاع ایران، هر چند در یک نگاه کلی هم اکنون اعتراضات کارگری تدافعی است اما بخش مهم اعتراض علیه کل رژیم است. رشد جنبش کارگری در فراتر رفتن از مسائل فعلی و گشودن عرصه های جدید مبارزه است، مانند دامن زدن به جنبش مجمع عمومی، انحلال شوراهای اسلامی و ایجاد شوراهای کارگری.

ایسکرا: مساله دستمزد و کلا مشکلات معیشتی یک مضمون و خواست همیشگی مبارزات کارگری است. اشکال ویژه طرح این خواست، در شرایط حاضر، و ترکیب آن با خواسته های دیگر مثل حق تشکل و غیره چگونه است؟ کلا اگر کارگران ایران مجال بیابند اساسی ترین خواسته هایشان را طرح کنند این خواسته های اساسی در شرایط فعلی کدامها هستند؟

رضا مقدم: اگر کارگران پس از ۳۰ سال کار بازنشسته شوند تمام کارگرانی که زیر ۲۰ سال سابقه کار دارند، یعنی اکثریت عظیم کارگران ایران، در دوران جمهوری اسلامی پا به محیط کار گذاشته اند. این نسل روز به روز سطح معیشتش کاهش یافته و همواره زیر خط فقر (حال با همان معیار جمهوری اسلامی) زندگی کرده است. به ساعات کار طولانی و

مصاحبه با رضا مقدم درباره موقعیت کنونی جنبش کارگری در ایران

افزایش دستمزد و پرداخت بموقع کارگر بویژه زیر فشار اقتصادی له شده و حامل همه عوارض ناشی از آن، اما از پا نیافتاده و تسلیم نشده. اینکه کارگران باید شوراهای کارگری را ایجاد کنند امری اجتناب ناپذیر است. زیرا همین مبارزات جاری نیز بدون تشکل راه به جایی نخواهد برد. واضح است اگر کارگران مجال یابند، مانند اکثریت مردم ایران خواهان کنار زدن بختک جمهوری اسلامی خواهند شد. اما کارگران بعلاوه باید خواهان مطالبات و ایجاد ارگانهایی شوند که راه آنها را برای یک انقلاب کارگری تسهیل کند. این آن قطب نمایی است که هر حرکت و خواست کارگری باید مد نظر قرار دهد. کارگران باید خود را برای مصافهای عظیم سیاسی آینده آماده کنند. رفتن جمهوری اسلامی کافی نیست.

ایسکرا: اخیراً و بدنبال بازتر شدن شکاف بین جناحهای رژیم اسلامی، بنظر میرسد شوراهای اسلامی و ارگانهای هدایت کننده آنها مانند خانه کارگر و روزنامه کار و کارگر تلاش دارند ضمن سد کردن مبارزات کارگری، نارضایتی کارگران را در جهت تقویت خاتمی کانالیزه کنند. بخشی از جریانات اپوزیسیون طرفدار خاتمی هم، بطور مثال اکثریت، تحت عنوان تبدیل این شوراها به تشکلهای مستقل، علناً می کوشند کارگران را به همین کانال سوق دهند. ما همیشه کارگران را به انحلال شوراهای اسلامی فراخوانده ایم. بنظر شما در شرایط حاضر راه فائق آمدن بر شوراهای اسلامی و خلاص شدن کارگران از این ابزارهای جاسوسی و سرکوب و اختناق رژیم در محیط کار چگونه است؟

رضا مقدم: شوراهای اسلامی همواره از سیاستهای دولتهای حاکم حمایت کرده اند، از دولت موسوی در دوران جنگ، از رفسنجانی در دوران پس از جنگ و هم اکنون از خاتمی. در همه این دوران نیز هر آنچه توانسته اند علیه کارگران مبارز و اعتراضات کارگری انجام داده اند. سازمان اکثریت قبلاً نیز می کوشید کارگران را به فعالیت در شوراهای اسلامی ترغیب کند و آنها را از درون تسخیر کند. اکثریت در این راه همان قدر موفق خواهد بود که قبلاً، یعنی هیچ. گسترش اعتراضات کارگری به ناگزیر با سد شوراهای اسلامی روبرو خواهد شد و آن را کنار خواهد زد. هم اکنون بستر اصلی صحنه سیاسی ایران حول اختلافات جناحها و امتیازاتی که هر یک از دیگری می گیرد دور می زند. این دور تسلسل باید بشکند و آنهام با به میدان آمدن یک نیروی سوم که جنبش کارگری در مرکز آن قرار دارد ممکن است. انحلال شوراهای اسلامی می تواند یکی از نشانه های قد علم کردن این نیروی سوم باشد که دامن زدن به جنبش مجمع عمومی یک گام عمده در این راه است. انسجام یافتن محافل کارگران رادیکال سوسیالیست هم از نظر روابطی که با یکدیگر دارند و هم از نظر سیاسی کلید اصلی آغاز یک حرکت کارگری وسیع است. ■

رفیق حکمت کوتانی درگذشت

روز ۷ سپتامبر قلب رفیق عزیزمان حکمت کوتانی از طپش باز ایستاد. خبر فقدان ناگهانی او دلپایمان را فشرده است. رفیق حکمت کوتانی دبیرکل سابق اتحادیه کارگران برق و یکی از رهبران باسابقه جنبش کارگری و کمونیستی عراق بود. با تشکیل حزب کمونیست کارگری عراق و به محض اطلاع از مواضع طبقاتی و برنامه ای - سیاسی آن، رفیق کوتانی بلافاصله به حزب پیوست و پس از برگزاری کنگره اول بعنوان مشاور کمیته مرکزی برگزیده شد.

رفیق کوتانی در سالهای اخیر از بیماری رنج میبرد معهداً در آوریل گذشته از دعوت به کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران به گرمی استقبال کرد و با روحیه ای شاد و سرشار از شور کمونیستی در کلیه جلسات آن حضور یافت. او خود نیز در جنب کنگره جلسه گفت و شنود پرباری راجع به تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی در عراق برگزار کرد. در پایان کنگره در سخنان کوتاهی، رفیق کوتانی احساس خود را چنین بیان کرد:

"بنا به دعوتی که خوشبختانه موفق به اجابتش شدم، در کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران حضور یافتم. آنچه دیدم توقعات بالای کمونیستهای ایران بود در برنامه ریزی جدی و طرح و تصویر مسائل و موضوعاتی که حزب را برای رهبری انقلاب آتی و دخالت در سرنوشت قدرت سیاسی آماده میکنند. با دیدن آنهمه انسجام و صمیمیت میان شرکت کنندگان کنگره، شدیداً احساس شادی و غرور کردم. همچنین از استقبالی که در کنگره از طرحهای رهبری حزب شد احساس سعادت وافر به من دست داد. معتمد آنچه کنگره به آن دست یافت متناسب با واقعیات سیاسی جاری بود و بر شایستگی این حزب برای انجام نقش تاریخی اش در حیات جامعه گواهی میدهد. خاطره اش برای همیشه عزیز خواهد ماند. درگذشت این رفیق گرامی را از صمیم قلب به بستگان و یارانش و به خوانندگان ایسکرا تسلیت میگویم.

فاتح شیخ الاسلامی

پیام منصور حکمت به مناسبت درگذشت رفیق کوتانی

درگذشت رفیق حکمت کوتانی را از صمیم قلب به خانواده گرامی او، حزب کمونیست کارگری عراق و جنبش کارگری عراق تسلیت میگویم. حضور رفیق کوتانی در کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران در همین چند ماه قبل و فرصت گرانبهایی که برای آشنایی و دیدار و گفتگو با او برای ما شرکت کنندگان کنگره فراهم شد، خاطره ای گرامی و فراموش نشدنی است. ما چشم براه دوره ای پربار از فعالیت مشترک و همفکری نزدیک با رفیق کوتانی و بهره گیری از تجارب غنی او از مبارزه طبقه کارگر عراق برای رهایی بودیم. افسوس که نشد.

یکبار دیگر از طرف همه فعالین حزب کمونیست کارگری ایران درگذشت رفیق عزیز حکمت کوتانی را صمیمانه به عزیزان و یارانش تسلیت میگویم.

منصور حکمت
۹ سپتامبر ۹۸

بخشی از مصاحبه رادیو انترناسیونال با رحمان حسین زاده

رادیو انترناسیونال در استکهلم درباره اوضاع سیاسی در کردستان با رحمان حسین زاده مصاحبه داشت (۶ سپتامبر). آنچه میخوانید بخشی از این مصاحبه در ارتباط با توافق اخیر کومهله و حزب دمکرات کردستان است:

توصیههای حزب دمکرات عمل کردند. فقط برای نمونه حزب دمکرات در مطلبی از آنها بخاطر اینکه به کنگره هایشان پیام نمیدهند گله کرد. دیدیم کومهله به کنگره اخیرشان پیام داد. حزب دمکرات اعلام کرد نظرشان در مورد خودمختاری روشن نیست، عبدالله مهتدی در مصاحبه با بی بی سی گفت آنها هم برای کردستان خودمختاری میخواهند. و عاقبت در بیانیه مشترک فعلی، رسماً حزب دمکرات را جزء "نیروهایی سیاسی انقلابی" کردستان آورده اند! چیزی که حزب دمکرات با تمام فشار و زور اسلحه و سالها جنگ نتوانست کومهله انقلابی آن دوران را وادار به وارونه جلوه دادن ماهیت واقعی حزب دمکرات کند. خلاصه کومهله جدید و سیاستهایش نقطه مقابل گذشته رادیکال آن است. حزب دمکرات این را می فهمد و در این فضا و با توافقات اخیر، میخواهد برای گذشته خود مشروعیت کسب کند. این وضعیت عامل اصلی توافقات و نزدیکی اخیر است. با استناد به بیانیه مشترک آنها و بیانیهای که از رادیوی حزب دمکرات پخش شده، اینکه حزب دمکرات کومهله جدید را به عنوان نیرویی در جنبش ملی کرد به رسمیت شناخته! شاید تمام آن "امتیاز" است که به کومهله عطا کرده است!!

در مورد بخش دوم سؤال و تاثیر این توافق بر فضای سیاسی ادامه در صفحه ۳

در تاریخ نگاری آن گذشته، به روشنی از سیاستهای قبلی شان دفاع میکنند. برخلاف حزب دمکرات، همه تفاوتهای کومهله امروز را با کومهله رادیکال و چپ در گذشته میدانند. از مقطعی که جریان کمونیستی و مارکسیستی از آن سازمان جدا شد، نیروهای سیاسی جنبش ملی کرد و از جمله حزب دمکرات انتظار این تغییر را از آنها داشتند. بعد از جدایی ما پلاتفرم و سیاست راست و ناسیونالیستی، که در کومهله سابق و به یمن هژمونی و حضور مارکسیسیستها نمیتوانست هژمونی داشته باشد، دست بالا پیدا کرد و طی این چند سال به تدریج و گام به گام اجرا شد. آنها با گذشته چپ و کمونیستی فاصله گرفتند، به خصومت آشکار نسبت به جریان کمونیستی در عراق و ایران دست زدند. برای به پیوستن به جنبش ملی کرد، پای بیانیه ناسیونالیستی احزاب به اصطلاح هر چهار پارچه کردستان امضا گذاشتند. با نزدیکی سمپاتییک به خیمهشب بازی "دولت کرد" و امثال اتحادیه میهنی و عاقبت با پیوستن به "کنگره ملی کرد" سنگ تمام گذاشتند و کارنامه قبولی ورود به جنبش ملی کرد را دریافت کردند. در برخورد مشخص به حزب دمکرات نه تنها سیاست انتقادی و رادیکال گذشته را کنار گذاشتند، بلکه در ۲-۳ سال اخیر قدم به قدم به

رادیو انترناسیونال - توافق اخیر کومهله و حزب دمکرات، زمینه های آن و تاثیرات آن بر فضای سیاسی موجود را چگونه می بینید و بنظر شما ظرفیت دوام سیاسی و عملی آن چقدر است؟
رحمان حسین زاده - مثل هر پدیده سیاسی دیگر، دیدگاههای سیاسی متفاوت، ارزیابی متفاوتی از توافقات این دو جریان دارند. من فکر میکنم علیرغم ارزیابیهای متفاوت، برای هر ناظر ابژکتیو که شناختی از سابقه و گذشته و حال این دو نیرو دارند، این سؤال مطرح است که تفاوتهای امروزی این دو جریان و تغییرات بوجود آمده در آنها چیست که توافقاتی را با مفاد "بیانیه مشترکی" که صادر کرده اند. ممکن کرده است. در پاسخ به این سؤال واقعیت اینست که تفاوت و تغییر اساسی در حزب دمکرات، اهداف و سیاستها و روشهای عملی آن، نمیتوان مشاهده کرد. حزب دمکرات همان حزبی است که هست و نیستش را مطالبه خودمختاری تشکیل میدهد و از همین زاویه با رژیم جمهوری اسلامی مخالفت دارد. در برخورد به حقوق اولیه مردم، آزادیهای سیاسی، حقوق و مطالبه کارگران، زنان، و خواستههای مدرن، سیاست و ادبیات کنونی آنها چیز متفاوتی از سیاستهای گذشته شان که ارتجاعی، عقب مانده و متکی به اعمال زور و فشار علیه مردم و سازمانهای سیاسی بود، در بر ندارد. تازه

ایسکرا
سر دبیر:
فاتح شیخ الاسلامی
E-Mail: fa.shaik@swipnet.se
همکار فنی:
غلام اکبری

فعالیت‌های حزب در خارج کشور

شورای کارگران شهر ونکوور کانادا از تظاهرات ۲۱ سپتامبر علیه جمهوری اسلامی حمایت میکند!

طبق اطلاعیه تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری ایران واحد ونکوور (۸ سپتامبر ۹۸) در پی دیدار نماینده کمیته حزب کمونیست کارگری در ونکوور کانادا با جان فریتز پاتریک دبیر شورای کارگران ونکوور و حومه، این شورا که بیش از ۸۰ هزار کارگر متشکل در اتحادیه‌ها را در بر میگیرد، حمایت خود را از آکسیون ۲۱ سپتامبر بعنوان روز بین المللی اعتراض به جمهوری اسلامی اعلام کرد. جان فریتز پاتریک همچنین قول داد موضوع برپایی اعتراض ۲۱ سپتامبر را در مجمع عمومی بعدی شورای کارگران ونکوور طرح کند و سایر اتحادیه‌های کارگری را به حمایت جدی از این آکسیون فراخواند. در مذاکراتی که بعمل آمد دبیر شورای شهر کارگران ونکوور با امضای متن نامه حمایت از تظاهرات بین المللی ۲۱ سپتامبر که همزمان با حضور خاتمی در مقر سازمان ملل نیویورک برپا خواهد شد، از آنچه که در ایران تحت حاکمیت اسلام علیه کارگران و زنان و توده مردم صورت میگیرد ابراز انزجار کرد و بر ضرورت مبارزه قاطع علیه رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی تاکید نمود. او قول داد که اخبار این تظاهرات را در نشریات شورا درج خواهد کرد. همزمان با بسیاری شهرها در اروپا، استرالیا و آمریکای شمالی روز دوشنبه ۲۱ سپتامبر در ونکوور نیز در ساعت ۱۲ ظهر در مقابل آرت گالری تظاهراتی بر پا خواهد گردید.

نامه آزاد نسیم

مسئول تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران به اتحادیه‌ها، تشکلهای، رهبران و فعالین کارگری:

صف مبارزه آزادیخواهان علیه رژیم اسلامی ایران را تقویت کنید!

رسانه‌ها و مقامات رسمی دول غرب می‌گویند که با انتخاب خاتمی به ریاست‌جمهوری ایران، وضعیت سیاسی-اجتماعی در این کشور تغییرجهت داده و رو به بهبود می‌رود. به او لقب لیبرال داده و از او چهره محبوبی تصویر میکنند.

این را از زنانی که در دوره ریاست‌جمهوری ایشان سنگسار شده‌اند باید پرسید،
از جوانانی باید پرسید که حق ندارند در خیابان بلند بخدمت و دست همدیگر را بگیرند و از جوانی‌شان لذت ببرند،
از دختران و زنانی باید پرسید که باید در وحشت دائمی از بیرون ماندن چند تار مویشان از زیر حجاب اسلامی زندگی کنند،
از کارگران نساجی مازندران که به خاطر ابتدائی‌ترین حقوق خود اعتصاب کردند و رژیم سرکوبشان کرد، باید پرسید
از دهها میلیون نفری که طبق آمار رسمی خود رژیم زیر خط فقر زندگی می‌کنند. می‌توانید حدس بزنید چند نفر در ایران، خودشان و بچه‌هایشان را از سر ناامیدی به آتش کشیده‌اند؟
از آنهایی که عزیزانشان در زندان‌های سیاسی رژیم هستند، از سلمان رشدی که فتوای قتل جمهوری‌اسلامی چون سایه تعقیبش می‌کند، از روزنامه‌نگاران مخالفی که حق فعالیت ندارند، موسیقی‌دانانی که باید در ذهنشان ترنم کنند،
از بستگان فعالین سیاسی که دانما همچون گروگانهای رژیم مورد تهدید قرار می‌گیرند و ترور فرزندان‌شان در خارج کشور به آنها گوشزد میشود،

اینها همه به رسانه‌ها و دولی که بیش‌رمانه به مردم دروغ می‌گویند تف خواهند کرد.

واقعیت امروز ایران را باید در زندگی واقعی دهها میلیون قربانی جمهوری‌اسلامی دید، نه در دروغها و تشویق‌های دول و رسانه‌هایی که به هر چیزی اهمیت می‌دهند جز حقیقت، جز اینکه جمهوری‌اسلامی خاتمی همان جمهوری‌اسلامی خمینی و رفسنجانی است، جز اینکه مردم ایران بعد از ۲۰ سال حاکمیت این رژیم اعدام و زندان و توحش، امروز بیش‌از هر زمان خواهان پایان سلطه زور و مذهب بر زندگی‌شان هستند.

رفقا!

۲۱ سپتامبر همزمان با سخنرانی خاتمی رئیس جمهور رژیم جنایتکار اسلامی ایران در سازمان ملل، تظاهرات و میتینگ‌هایی در کشورهای اروپا، کانادا، آمریکا و استرالیا برگزار خواهد شد. اعتراض به رژیمی که طی دو دهه حاکمیتش جز فقر و فلاکت و خفقان چیزی برای مردم نداشته است. اعتراض به رژیم ضدکارگر، رژیم صدهزار اعدام، رژیم ترور، رژیم ضدزن.

مردم ایران، انسانهایی که نزدیک به دو دهه طعم تلخ یک زندگی بردووار و پر از خفقان و خون یک رژیم قداره بدست و مرتجع را چشیده‌اند، دیگر حکومت این مفتخوران مذهبی و دار و دسته‌های باند سیاهی را نمی‌خواهند. آنها دیگر حاکمیت دستجات فاشیست

مذهبی را نمی‌خواهند. آنها این ننگ تاریخ بشری را بیش از این تحمل نخواهند کرد. مردم ایران، آزادی، تامين اجتماعی و شادی می‌خواهند. حقوقی را می‌خواهند که طی دو دهه با زور زندان و شکنجه و اعدام از آنها گرفته شده است، حقوقی که برای خود شما جزو بدیهیات زندگی‌تان است.

۲۱ سپتامبر اعتراضی متحد و افشاگرانه علیه کلیت رژیم مرتجع اسلامی ایران برپا میشود. اعتراض کنندگان می‌خواهند حقیقت را به مردم دنیا بگویند، بگویند که هر جناح و رئیس جمهور این رژیم، در کلیه جنایاتی که علیه مردم ایران اعمال شده و می‌شود، شریکند. می‌خواهند به مردم دنیا بگویند هیچ‌گونه تغییری در سیستم این رژیم صورت نگرفته و نخواهد گرفت. اعتراض کنندگان بار دیگر تصمیم دارند چهره آن دولتها و رسانه‌هایی که با طرح لیبرالیزه شدن این یا آن جناح، به رژیم مشروعیت بدهند را افشا کنند و بمردم دنیا بگویند گول ژست دیپلماتیک خاتمی‌ها و دروغ و کتمان دولتها و رسانه‌های حامی این رژیم عهد بوقی را نخورید. تقلاي همه آنهايکجه بخاطر منافع حقیر سیاسی و اقتصادی خود به یاری این ننگ تاریخ بشری آمده‌اند بیهوده و شرم آور است. مردم ایران حکم به سرنگونی کلیت رژیم داده‌اند.

کارگران و مردم آزادیخواه ایران در طول مبارزه بیست ساله خویش بارها از حمایت و همبستگی شما در مبارزه علیه رژیم جنایتکار اسلامی ایران برخوردار بوده‌اند. این بار هم از شما انتظار می‌رود با شرکت در این اعتراض، صف مبارزه آزادیخواهان علیه یکی از جنایتکارترین رژیمهای قرن را تقویت کنید.

دستتان را بگرمی می‌فشاریم

آزاد نسیم مسئول تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران دهم سپتامبر ۹۸

حمایت فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از ۲۱ سپتامبر روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی طی اطلاعیه‌ای با عنوان: "با شعار سرنگون باد جمهوری اسلامی به استقبال خاتمی برویم" از آکسیون بین المللی ۲۱ سپتامبر، روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی، حمایت کرده است. در این اطلاعیه آمده است: "خاتمی برای شرکت در اجلاس سازمان ملل متحد ۲۱ سپتامبر به نیویورک می‌آید تا به نمایندگی از طرف "مردم" ایران برای سایر "مردم" جهان پیام دوستی و حسن رابطه بفرستد! شنیدن این خبر برای میلیونها فراری از ۲۰ سال توحش یک حکومت قرون وسطایی در ایران، همچون شنیدن خبر شرکت سران رژیم‌های آپارتاید افریقای جنوبی و فاشسیم هیتلری در نشست‌های بین المللی و ارسال پیامهای دوستی برای بازماندگان قتل عامها و فراریان ضد آپارتاید و ضد فاشیست است. مضحک بنظر می‌رسد، اما واقعیت دارد. اگر آن رژیم‌های فاشیستی و ضد بشری اقبال حاکمیت در شرایط سیطره توحش عنان گسیخته در جهان یک قطبی امروزی را نداشتند و باین خاطر هرگز مهلت عوامفریبی در مجامع بین المللی را نیافتند، جمهوری اسلامی این اقبال را یافته است. ... حزب کمونیست کارگری ایران تظاهرات گسترده‌ای در کشورهای مختلف برای افشای جمهوری اسلامی فراخوانده است. فدراسیون از این فراخوان استقبال می‌کند و همه شما مردم آزادیخواه و بشر دوست را به شرکت در این تظاهرات ها فرا می‌خواند. برای مقابله با سیاست تطهیر و مشروعیت بخشیدن به جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی، بپاخیزید."

اطلاعیه‌ها

– پیام مینا احدی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری و هماهنگ کننده کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران به تظاهرات علیه تروریسم جمهوری اسلامی، بن ۵ سپتامبر
– اطلاعیه صالح سرداری عضو هیات اجرائی کمیته کردستان خطاب به مردم مریوان با عنوان: "جمهوری اسلامی برای آرام کردن خشم و نفرت مردم مریوان از مزدورانش کمک می‌گیرد" (نهم شهریور ۷۷).

مصاحبه‌ها

– مصاحبه نازلی پرتوی با رادیو فارسی زبان ایران در سیدنی استرالیا پیرامون ترور لاجوردی و وضعیت زندانیان سیاسی ۲۸ اوت
– مصاحبه ایرج فرزاد عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری با رادیو پیک در گوتنبرگ سوئد درباره اوضاع سیاسی جاری در ایران، دوم سپتامبر
– مصاحبه رحمان حسین زاده عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران با رادیو همبستگی در مالمو و رادیو انترناسیونال در استکهلم درباره اوضاع سیاسی در کردستان یکشنبه ۶ سپتامبر

برگزار میشود:

بیست و نهمین برنامه خانه حزب کمونیست کارگری ایران در کاسل آلمان، جمعه ۱۱ سپتامبر، معرفی نشریات جدید: انترناسیونال شماره ۲۷، کارگر امروز شماره ۶۱ و مدوسا نشریه کانون زن و سوسیالیسم شماره دو با تم اصلی زن و خشونت. ■

ادامه از صفحه ۲ بخشی از مصاحبه رادیو انترناسیونال با رحمان حسین زاده

کردستان. طبعاً در میان ناسیونالیست‌ها و محافل کرد و در جنبش خودمختاری طلبی و ملی‌گرایی از آن استقبال شده و میشود. اما در صحنه سیاسی کردستان ایران، آنجا که حرکت واقعی مردم در جریان است، جنبشهای مختلفی وجود دارند. ملی‌گرایی و خودمختاری طلبی از شانس بد اینها از همه جنبشهای زنده آنجا ضعیف تر است، جنبش کمونیستی و کارگری، جنبش زنان، حرکت رادیکال نسل جوان، و کلاً قطب چپ جامعه، جنبش تعیین‌کننده‌ای است که مناسبات نیروهای جنبش ملی را مستقیم مربوط به سرنوشت خود نمی‌دانند. اما به عنوان قطب مقابل، میدانند جبهه ملی‌گرایی بیش از گذشته در مقابلشان قویتر شده و موانع سد راه پیشروی و مبارزه‌شان را بیشتر میکند. طبعاً این تاکید است بر اینکه حرکت رادیکال و سوسیالیستی و حزب کمونیست کارگری که این قطب را نمایندگی میکند، لازم است با روشنی و آگاهی و آمادگی بیشتر به بسیج نیروی جنبش خود، برای خشی کردن بیشتر توهامات ملی‌گرایانه و ناسیونالیستی در کردستان بکوشد.

در مورد دوام سیاسی آن، باید گفت که این توافقات بنا به فاکتورهای متحول اوضاع سیاسی دچار کش و قوسهایی خواهد شد. ما بارها توافقات مشابه بین نیروهای سیاسی جنبش ملی از جمله در کردستان عراق در بین اتحادیه‌میهنی و حزب دمکرات کردستان عراق را تجربه کرده‌ایم. اینها زمانی "جبهه مشترک، دولت و پارلمان مشترک" هم داشته‌اند، اما بارها توافقات آنها به هم خورده و جنگ و کشمکش بر سر قدرت و رهبری جنبش ملی و ... برپا کرده‌اند. منظورم این است در آینده تحولات سیاسی احتمال ناپایداری چنین توافقاتی هست. البته اینجا این مسئله را تاکید کنم علیرغم اینکه از زاویه منافع کارگران و مردم و جریان رادیکال افشای محتوای سیاسی این "توافقات مشخص" کنونی ضروری است. اما ما فکر میکنیم وجود مناسبات نرمال و عادی در بین آنها و نبودن حالت جنگی در بین آنها بسیار بهتر از حالت جنگی و کشمکش در میانشان است.

انترناسیونال - قبل از جدایی جریان ما و زمانی که شخص شما جزو رهبری کومه‌له بودید، بحث تلاش برای تنظیم توافقاتی با حزب دمکرات در کردستان مطرح بود، تفاوت حرکت فعلی کومه‌له با آن دوره سابق در چیست؟ باز نظر حزب کمونیست کارگری حصول توافقاتی در بین احزاب سیاسی در کردستان ممکن است؟ «ب»
رحمان حسین زاده - بحث و نقد ما به نفس مذاکره و توافقات معین با حزب دمکرات نیست. بلکه نقد ما به محتوای "توافقات مشخص کنونی" آنهاست. بلی، زمانیکه سیاستهای جریان ما بر کومه‌له ناظر بود و زمانی که خود ما هم در رهبری کومه‌له بودیم، تنظیم توافقات با حزب دمکرات را در دستور داشتیم. من شخصاً جزو اولین هیئت رهبری کومه‌له برای عادی سازی رابطه با حزب دمکرات بودم و در هیات‌های مختلف دیگر با رهبری هر دو شاخه آن زمان حزب دمکرات حضور داشته‌ام. تفاوت این است، کومه‌له‌ای که ما در رهبری آن بودیم استراتژی و سیاستهای سوسیالیستی روشنی را در کنگره ۶ تبیین کرده بود. تفاوت‌های اساسی و بنیادی آن با حزب دمکرات معلوم بود. نقد رادیکال و همیشگی آن به ملی‌گرایی و ناسیونالیسم و از جمله حزب دمکرات بسیار شفاف بود و نوشته و گفته میشد. آشکارا اعلام کرده بودیم که به دو جنبش متفاوت متعلقیم و به عنوان نمایندگان دو جنبش متفاوت می‌خواهیم به توافقات معینی در حوزه‌های تاکتیکی معین برسیم. از جمله در مورد راه حل مسئله کرد، همکاری در بعضی عرصه‌های اطلاعاتی و امنیتی مربوط به الزامات مبارزه نظامی و غیره. در نتیجه هیچ نوع نشست و برخاست و بیانیه ما و آنها مرزهای سیاسی و هویتی ما را مخدوش نمی‌کرد. ما طوری عمل نکردیم که کوچکترین توهمی دال بر "انقلابی و آزادمنش" بودن حزب دمکرات در میان کارگران و مردم کردستان بوجود بیاید. ماهیت واقعی حزب دمکرات وارونه جلوه داده شود و حزب دمکرات مشروعیتی برای سابقه و گذشته خود دست و پا کند. کومه‌له جدید در این دوره و بعد از خروج جریان کمونیسم کارگری و رهبران و فعالین آن، دنبال پلاتفرم راست رفت که مبنای ملی و ناسیونالیستی داشت و در شرایط حضور جریان مارکسیستی هیچگاه قدرت و قوتی نیافت. کارهای فعلی این جریان با عملکرد و سیمای سیاسی و رادیکال و چپ کومه‌له در تمام تاریخ گذشته آن در تناقض است و حقیقتاً از آن گذشته تنها اسم آن را یدک میکشد. اما ما کمونیستهای متشکل در کومه‌له سابق و امروز متشکل در حزب کمونیست کارگری تضمین خواهیم کرد که کارگران و مردم آزاده در مقابل چنین روند‌هایی آگاه و هوشیار خواهند بود. جنبش سوسیالیستی و کارگری ملی‌گرایی و ناسیونالیسم بستهبندی شده در قالب "چپ" کومه‌له جدید را هم خشی خواهد کرد.

در جواب به بخش آخر سوال، با توجه به توضیحات بالا روشن است که حزب کمونیست کارگری حصول توافقات در میان نیروهای سیاسی در کردستان را ممکن میداند. همچنانکه اشاره کردم از نظر حزب ما در برخورد به راه‌حل مسئله ملی، بعضی الزامات فعالیت نظامی و عدم توسل به زور در مبارزه سیاسی و مسائل دیگری که در جریان مبارزه واقعی پیش بیاید، چنین توافقاتی اصولاً امکان پذیر است. ■

رویدادهای ایران

تجلیل خاتمی از لاجوردی جلاد

ترور لاجوردی جلاد همچنانکه طبیعتاً مورد استقبال مردم قرار گرفت انعکاشش در میان سایر جانین جمهوری اسلامی از امثال صادق خلخالی تا سردمداران رده بالای رژیم چنین بود که به هراس آنان از نفرت عظیم مردم بجان آمده دامن زد. سران رژیم در بیانیه های خود از این جنایتکار حرفه ای با عناوین "سردار اسلام" و "مظهر انقلاب اسلامی" به تجلیل پرداختند تا روحیه باخته خود و دیگر جانین و مزدوران را حفظ کنند. از جمله محمد خاتمی لاجوردی جلاد را با اوصاف "یکی از سربازان سختکوش انقلاب و خدمتگزاران مردم و نظام" ستایش کرد. ستایش خاتمی از لاجوردی بهتر از هر استدلالی نشان داد که او شریک همه جنایات و سیاهی های دو دهه حاکمیت کثیف اسلامی است. اعتراف خاتمی چیزی به واقعیت سابقه سیاسی او بعنوان یکی از سران این رژیم جنایت پیشه نیافزوده است

اما خاتمی چی های "اپوزیسیون" را همه جا در وضعیت دشوار و شرم آوری در برابر مردم آزادخواه قرار داده است.

عبدالله نوری و مهاجرانی توسط مخالفان مضروب شدند

روز جمعه ۱۳ شهریور، ۴ سپتامبر، پس از مراسم نماز جمعه تهران شماری از مخالفان جناح خاتمی، به عبدالله نوری وزیر کشور سابق و معاون کنونی خاتمی و مهاجرانی وزیر ارشاد رژیم حمله ور شدند و آنها را در حضور مردم و گاردهایشان بشدت مضروب کردند بطوریکه عمامه آخوندی عبدالله نوری پرتاب و توسط مهاجمان لگد شد. خاتمی در بیانیه شدیدالحنی دستور رسیدگی داد و خواستار مجازات مهاجمان شد. خامنه ای هم دستور مشابهی صادر کرد و یزدی رئیس دستگاه قضائی رژیم اظهار داشت که واقعه بررسی خواهد شد ولی طی یک هفته

زنی در شهر پاره جلو دادگاه توسط شوهر سابقش به قتل رسید

بنا به اطلاعیه کمیته کردستان (۱۶ شهریور - ۷ سپتامبر) روز دوشنبه ۲۶ مرداد ۷۷ لقاء کریمی که پس از سه سال تلاش توانسته بود از دادگاه حکم جدائی اش را بگیرد توسط شوهر سابقش که مزدور مسلح رژیم است جلو در دادگاه به گلوله بسته شد و ساعتی بعد در بیمارستان درگذشت. در پایان اطلاعیه آمده است: "لقاء کریمی قربانی قوانین ضد زن رژیم جمهوری اسلامی و شرارت مزدوران مسلح آن شد. با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، همه قوانین کثیف اسلامی علیه زنان و حضور نیروهای نظامی در محیط کار و زندگی مردم برچیده خواهد شد."

طالبان، مجلس اسلامی و شر مذهب

وحشیان اسلامی طالبان، در سکوت غرب و نمایندگان رسمی تمدن سرمایه داری، شمال افغانستان را نیز تصرف کردند و بند اول قانون خویش را به اجرا درآوردند: زنان حق تحصیل و کار و خروج از خانه را ندارند. مردان نباید ریش هایشان را بتراشند!

مجلس جمهوری اسلامی هم اخیراً تصویب کرد که "دفاع نامشروع" از حقوق زن ممنوع است. در مجلس گفته شد که بعضی رمانها از روابط زن و مرد سخن میگوید و غرایز جوانان را بر می انگیزد! مصوبه تازه مجلس که متممی بر قانون مطبوعات است در یک کلام چنان تنظیم شده که میشود ناشر هر روزنامه و کتابی را به جرم اسم بردن از زن به شلاق و سایر "مجازاتهای اسلامی" محکوم کنند.

آن یکی طالبان با کمک اسلحه آمریکا و پاکستان و با وحشیانه ترین جنایات، بربریت اسلامی را بر مردم افغانستان حاکم میکند، این یکی طالبان که بیست سال پیش با توافق و نقشه غرب و با عوامفریبی و بعد سرکوب و کشتار و اسید پاشی به صورت زنان و سنگسار

مصطفی صابر

و اعدام مداوم به قدرت رسید و قدرت را حفظ کرد، امروز با مصوبات مجلس اسلامی اش اسم بردن از زن را ممنوع میکند. این دو تا طالبان با هم تفاوتی ندارند. مثلاً طالبان افغانستان گرچه از طالبان ایرانی الهام گرفت اما ورژن عشیرتی فتودالی از جمهوری اسلامی را ارائه داده است. همینطور جمهوری اسلامی گرچه شتابزده سعی میکند حساب خود را از حساب طالبان جدا کند، سالها از نوع شیعه طالبانهای افغانستان حمایت کرده و میکند، و خود عملاً جاده صاف کن کثافتهایی بوده است که امروز سرنوشت مردم را در افغانستان رقم میزنند. اشتراک این دو طالبان اساسی تر از تفاوت آنهاست. هر دو آنها دارند اسلام و حکومت اسلامی را بر زندگی مردم حاکم میکنند. هر دو انعکاس این واقعیت اند که مذهب، در این مورد اسلام، در اوج گندیدگی نظام سرمایه داری چه عرصه ای برای تاخت و تاز پیدا کرده است. هر دو دارند فریاد میزنند که دیگر مذهب فقط افیون خلق نیست، که چوبه دار و چماق سرکوب هم هست، که اهرم بیحقوق نگه داشتن زنان و بدترین نوع ارتجاع سیاسی است. هر دو طالبان

به همه مردم جهان نشان میدهد که آنها که در این دوره و زمانه دارند از مذهب دفاع میکنند چطور خود با پای خود به زیاله دان تاریخ میروند. آنها که امروز زیر عباي خاتمی رفته اند، و از جامعه مدنی اسلامی او دفاع میکنند، آنها که زبانشان میسوزد که از جدایی کامل و همه جانبه مذهب از دولت حرف بزنند، بدانند که خشم مردم علیه این طالبانها و علیه شر مذهب دامن آنها را نیز خواهد گرفت.

کارگران و مردم ایران با سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق انقلاب خود برای یک جامعه آزاد و برابر، جامعه ای سکولار و فارغ از ستم و سرکوب و تبعیض مذهبی، نه فقط خود را از شر این فسیل ها رها میکنند، بلکه به مردم منطقه، به مردم منگنه شده افغانستان و به تمام جهان راه دیگری را نشان خواهند داد.

انقلاب کارگری ایران میتواند همان نقشی را که انقلاب کبیر فرانسه در عقب راندن مذهب فتودالی در جهان غرب داشت، در ابعادی دیگر علیه ارتجاع مذهبی زمانه ما که بویژه در کشورهای اسلام زده چنین وقیحانه علیه انسانها حاکمیت میکند، ایفا کند.

خاتمی در آمریکا، بهنود در اروپا

آقای مسعودبهنود، گل سرسبد ژورنالیسم و عالم روشنفکری ایران، معرف حضور همگان هست. ایشان دوهفتامی پیش از سفر خاتمی به آمریکا و شرکت او در اجلاس سازمان ملل متحد، در آلمان سخنرانی دارند. قدم رنجه فرموده اند تا برای حمایت از خاتمی تبلیغ و بازاریابی بنمایند. برای تضعیف اعتراضات و آکسیونهای آزادیخواهانه و حق طلبانه علیه خاتمی، "عوامفریبی دموکراتیک" و "روشنگری ژورنالیستی"، بکنند.

جمله قصار ایشان را، "دوره حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، یکی از دموکراتیک ترین ادوار تاریخ ایران است"، به یاد بیاوریم. و نیز به خاطر داشته باشیم که این جمله، بسیار سالها قبل از "حماسه تاریخی" (!!!) دوم خرداد، به ایشان الهام شده است.

این جمله را باید بر سردر اوین و قزلحصار و دیگر زندانهای سیاسی ایران نوشت و در میدانهای تیر در کنار جوخه های اعدام نصب کرد، آنرا باید به میلیونها نفری که دوستان و آشنایان و افراد خانواده و فامیلشان را، این دموکراتیکترین رژیم تمام ادوار تاریخ ایران به گلوله بسته، به زندان انداخته، شکنجه کرده و یا از مملکت فراری داده، گوشزد کرد. اگر هم موافق نبودند، با سرب مذاب در کلهاشان فرو کرد، آنرا باید به دهها میلیون کارگر و زن و جوانی که به خاطر اعتراضی به پرداختیهای معوقه، دو تار مویی بیرون از حجاباسلامی و نگاهی مهربان و خندهای برلب به جنس مخالف، "پاسخ دموکراتیک" گلوله و زندان و شلاق و تحقیر میگیرند، "حالی" کرد.

خود جمهوری اسلامی هم، تا به این اندازه وقیحانه، لاف دمکرات بودن نمیزند، که "مدیر فروش" بی پرستی و حقیرش رجزخوانی تاریخی می کند.

دوره حکومت جمهوری اسلامی، از یک نظر، یک دوره استثنایی در تاریخ ایران است؛ این یکی را بهنود حق دارد: در هیچ زمانی، هیچ رژیمی، نتوانسته است، با این درجه سهولت و موفقیت، روشنفکر (تودای تبار و دمکرات شده و لیبرال مزاج) سیاسی و فرهنگی و هنری و غیره را موم دستش بکند و هر شکلی که می خواهد به آن بدهد.

مسعودبهنود، اوج موفقیت استثنایی رژیم را نشان می دهد. خودش، اما، یک قاعده است.

نادر بکتاش

۲ سپتامبر ۹۸

منتشر شد



نشریه کارگر امروز شماره ۶۱

ملوسا 2 Medusa
Journal of the Centre for Women and Socialism No 2 June 1998

زن و خشونت

خواستهای جنسی زنان
خشونت خانگی در بریتانیا
رژیم اسلامی رسوا میشود: یک کمین بوفون
آسیبناک تر: قدرت بخوابه یا تجارت
پاکسازی جنسی در افغانستان
سنگسار در هایدپارک!
چرا میزنند
معجزه ویاگرا
دختران الله
عروس گمشده
جوانان و مدونیس
زنهای مسیوقه
اردواج از راه دور
انقلاب اکبر و رعایای زن
کردهستان عراق: زنان در برابر ارتجاع
زن، قضاوت و قرابت ملایمتر از اسلام!
سخننی با شرین عبادی

شماره فاکس کمیته داخل حزب ۳۷۶۹-۵۱۵-۴۱۶-۱

از صفحه حزب در اینترنت دیدن کنید: <http://www.wpiran.org>

به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید

آدرسهای تماس و حسابهای بانکی حزب کمونیست کارگری ایران

K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Postfach 103137 50471 Köln Germany	BM Box 8927 London WC1N 3XX England	W.P.I Box 719stn.P Toronto, ONT .M5S 2Y4 Canada
Postgiro: 4492709-3 K.A.K Box 29065 100 52 Stockholm Sweden	Z.I.KONTO: 17116703 BLZ: 10090000 Berliner Volksbank Germany	Account No:6722-5007687 Royal Bank of Canada 10 Eglinton Ave. E Toronto, Ont M4P 2W7 Canada	

Fax: (1) 416 515 67 22
E.Mail: wp.iran@mailbox.swipnet.se

تلفن تشکیلات خارج کشور
(۴۶)۰۷۰-۵۸۸۵۸۳۶
دوشنبه، چهارشنبه، جمعه ساعت ۱۴-۲۱

اطلاعیه دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران

دفتر روابط عمومی حزب کمونیست کارگری ایران، مسئول تماس حزب با خبرگزاریها، رسانهها، نهادهای اجتماعی و فرهنگی و همچنین شخصیتهای سیاسی است. نهادهای علاقمند میتوانند سئوالات و پرسشهای خود در ارتباط با اهداف، سیاستها، و آکسیونهای حزب کمونیست کارگری ایران را از طریق تماس با این دفتر دریافت دارند.

Ali Javadi
P.O.Box 241412
Los Angeles, CA. 90024, USA
Email: Javadi@worker-socialism.com
Tel/Fax: (1)310-445-9228

به حزب کمونیست کارگری شماره فاکس کمیته داخل حزب ایران کمک مالی کنید
۳۷۶۹-۵۱۵-۴۱۶-۱